



یادداشت‌های امیر خیزی

## خدا حافظی و بازگشت به ایران میرزا اتقی خان امیر کبیر

-۲-

شاهزاده خسرو میرزا و همراهان ایشان روزیکشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۴۵ برای وداع و بازگشت به حضور نیکلا رفتند. امپراطور پس از تعارفات و توجهات خاصی گفتند: « امیدوارم یادگار خوب از روسیه ببرید و آنچه از دوستی ما برای المین مشاهده و فهمیده‌اید به‌شاه و نایب‌السلطنه حالی نمایید. »

سپس امپراطور به احترام شاهزاده ایران يك كروور تومان از بابت بقیه دو كروور تومان غرامت جنگ به ایران بخشید و برای يك كروور دیگری که باقی مانده بود و بایستی پرداخت شود پنج سال مهلت داد. آنکاه از طرف دولت روسیه چند مدال طلا به خسرو میرزا و يك مدال طلا و يك مدال نقره به محمدتقی امیر نظام و به هر يك از سایرین هم يك مدال نقره هدیه گردید، به علاوه دوازده عراده توپ (۱).

هیئت سیاسی ایران از اینکه به مقصود خودشان نائل شده بودند به خوشی و خرمی به تبریز بازگشتند و در سوم ماه رمضان وارد تبریز شدند و مدت این مسافرت در کلیه عبارت بود از ده ماه و پانزده روز و پس از مراجعت از این سفر میرزا اتقی خان به اداره نظام انتقال یافت و به سمت مستوفی نظام شناخته شد.

و نایب‌السلطنه عباس میرزا که از قضیه گریبایدوف بسیار در وحشت بود و هرگز گمان نمی کرد که این پیش آمد غیرمنتظره به این سهولت انجام پذیر خواهد بود چون عاقبت امر را مطابق میل خود دید بسیار شادان گردید.

اما علت اینکه امپراطور روسیه در این قضیه چندان سخت گیری نکرد این

۱- آیا این دوازده عراده توپ از توپهای دولت روسیه بود یا عبارت بود از توپهای

خود دولت ایران؟

بود که در آن تاریخ دولت روسیه با دولت عثمانی مشغول جنگ بود و صلاح خود را در آن دید که با ایران بسازد و با عثمانی به جنگ پردازد و البته صلاح وی هم در این بود .

-۳-

### سفر ایروان

که تفصیل آن و ملاقات با نیکلای اول که حسب الامر محمد شاه در زمان ولیعهدی ناصرالدین شاه در سال ۱۲۵۳ در شهر ایروان روی داد و تفصیل آن سابقاً نگارش یافته است .

-۴-

### میرزا تقی خان در ارزنة الروم

از سال ۱۲۵۹ مابین دولت ایران و عثمانی روی می داد که دولت ایران بتسامح می گذراند تا آنکه در سال ۱۲۵۳ موقمی که محمد شاه در هرات بود علی رضا پاشا والی بغداد با استفاده از فرصت بناگاه با سپاهی که تهیه کرده بود به محرمه تاخت آورد حاکم آنجا با عده قلیلی به مقاومت پرداخت ولی شکست خورد . سپاهیان علی رضا پاشا با قهر و غلبه وارد محرمه شده آنچه توانستند از قتل و غارت دریغ نکردند چون این خبر به عرض محمد شاه رسید نامه ای توسط سفیر ایران ، میرزا جعفر خان مشیرالدوله به دولت عثمانی نوشته مدعی ترضیه و خسارت گردید .

هنگامی که سفیر ایران با وزیر خارجه و صدراعظم راجع به تجاوز و خودسری علی رضا پاشا داخل مذاکره شده مآوقع را اظهار داشت در جواب گفتند محرمه متعلق به دولت عثمانی است شما باید نخست اثبات کنید که محرمه متعلق به دولت ایران است ، بعد از آن به ادعای خسارت برخیزید .

### میرزا جعفر خان مشیرالدوله کیست ؟

میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله از مردان بزرگ و دانشمند ایران بوده است و مقدمات تحصیل وی در تبریز بوده است و در سال ۱۲۳۰ نایب السلطنه عباس میرزا در موقمی که می خواست چند نفر از ایرانیان را برای تحصیل علوم جدید به انگلستان اعزام کند میرزا جعفر نیز یکی از ایشان بود . مشارالیه نزدیک به سه سال در انگلستان مشغول تحصیل بود و در سال ۱۲۳۴ حسب الامر نایب السلطنه به ایران مراجعت کرده و در ماههای اول یادوم ربیع الاول ۱۲۳۵ بارفقایش به شهر تبریز وارد شدند و هر کدام از ایشان را به کاری منصوب کردند و میرزا

سیدجعفرخان هم به عنوان مهندسی به تعلیم قشون ریاضی مشغول شد و به لقب مهندس باشی ملقب گردید و روز به روز مراتب ترقی می‌پیمود تا در سال ۱۲۵۲ به سفارت دربار عثمانی، مأمور گردید .

همین که میرزا جعفرخان سفیر ایران از صدر اعظم و وزیر خارجه دولت عثمانی این جوابهای نامعقول را شنید دانست که مذاکره هر قدر مکرر و دنباله دار بشود ابداً سودی نخواهد داشت ناچار پس از چندی به ایران بازگشت و آنچه شنیده بود به حاجی میرزا آقاسی بازگفت. دولت عثمانی که در آن وقت از چند جهت در فشار بود از مراجعت میرزا جعفرخان سفیر ایران به شبهه افتاد فوراً یکی از رجال معروف خودشان را به نام صارم افندی به ایران فرستاد که با دولت ایران داخل مذاکره شده قضیه محمره را خاتمه دهد و از طرف دولت مجاز بود که تا سیصد هزار تومان به عنوان خسارت وارده به اهالی محمره به دولت ایران بپردازد ولی حاجی میرزا آقاسی بدین جزئیات سرفرونی آورد سخن از چهاروینج میلیون تومان می - گفت . بالاخره صارم افندی مأیوس شده به استانبول مراجعت کرد و آن سیصد هزار تومان هم از بین رفت . هنوز مسئله محمره صورت پذیر نشده بود که قضیه بسیار ننگین و تأسف آوری روی داد و آن عبارت بود از واقعه قتل و غارت بیرحمانه در شهر کر بلائی معلی که خلاصه تفصیل آن بدین قرار است که مرحوم فرهاد میرزا در کتاب خود معروف به زنبیل نوشته است و ما نیز خلاصه ای از خلاصه آنرا در اینجا می آوریم :

به واسطه کثرت اوباش و رنود نظام کر بلا از هم گسیخت چنان که رشته اختیار از دست حاکم کر بلا بدر رفت . حتی علی رضا پاشای بغداد نیز از عهده این کار بر نیامد تا آنکه محمد نجیب پاشا حاکم شام به حکومت بغداد منصوب گردید و آن نابکار بس سفاک و بی باک بود هنوز در حکومت خود استقرار نیافته بود که لشکر به جانب کر بلا کشید و توپهای از دردهان به قلعه کر بلا بست و پس از سه روز محاصره بر روز پانزدهم ذی الحجة الحرام سنه یک هزار و دو بیست و پنج و هشت کر بلا را مفتوح و دل دوستان اهل بیت را مجروح ساخت و سه ساعت حکم قتل عام داد و آنچه محقق شد نه هزار نفر در آن روز از حلیه حیات عریان شدند و آن قدر زروسیم و جواهر و کتاب به غارت رفت که محاسب وهم و خیال از تعداد و تذکار آن مجال نمی یابد و در میان رواق حضرت عباس و خیاب خامس آل عبا هر که را یافتند کشتند به جز خانه حاجی سید کاظم رشتی که او را امان داد بر احدی ابقا نکردند .

پس از قتل عام قراری در امن و ولایت داد و در چهاردهم شهر مزبور مراجعت کرد و خبر این قضیه هولناک وقتی که به سمع حاجی میرزا آقاسی رسید تامدتی از اظهار آن خودداری کرد و پس از آنکه مردم از ماوقع مستحضر شدند و بهیاهو پرداختند حاجی هم به خیال جمع آوری

لشکرافتاد ولی سفیر روس وانگلیس که در معنی طرفداری از دولت عثمانی می کردند به هر وسیله ای بود دولت را قانع کردند که انجمنی در ارزنة الروم تشکیل داده شود و علاوه بر نمایندگان دولت ایران و عثمانی نمایندگان روس وانگلیس نیز حضور داشته باشند تا اینکه به اختلافات حاصله بین دودولت خاتمه داده شود .

دولت ایران نیز با نمایندگان روس وانگلیس موافقت کرد و میرزا جعفرخان را که در آن ایام در تهران اقامت می کرد برای نمایندگی ایران معین کردند ولی میرزا جعفرخان پس از رسیدن به تبریز سخت مریض شد چنان که قادر به حرکت نگردید و خودش هم نامه ای راجع به کسالت خود به حاجی میرزا آقاسی به تاریخ ذیحجه ۱۲۵۹ نوشتند :

« فدایت شوم کمترین نظر به تأکید و فرمایش جناب مولانا المعالی و استماع خبر مأموریت نوری افندی و کیل دولت عثمانی عزم جزم داشت که انشاء الله روز پنجشنبه بیست و چهارم شهر حال از دارالسلطنه تبریز به ارزنة الروم روانه شود همه تدارک سفر را برای آن روز مهیا داشته دو اب مکاری کرایه نموده بود از قضا روز چهارشنبه ناخوشی وانکسار مزاج عارض شده بستری گردیده بقول اطبایاات الجنب است . دوسه روز است که اطبای فرنگ مشغول معالجه هستند و بدین واسطه البته فرنگی ها هم گزارش را به خدمت معروض خواهند داشت ، امیدوارم که انشاء الله دوسه روز دیگر رفع ناخوشی شده بدون ملاحظه نقاهت محض اطاعت امر عالی که مخلصین را بهترین مایه حیات است روانه مقصد شود چون چا پار روانه و عرض مراتب واجب بود لهذا بدین مختصر عریضه جسارت گشت زیاده عرضی نیست . امیدوارم که در جنب رأی مولانا المعالی که حضور و غیاب را به یک اسلوب بینا و داناست صدق عرض فدوی معلوم محمول به اجمال و کوتاهی نشود . ۲۶ ذیحجه در تبریز عرض شد امر المعالی مطاع » . پشت نامه مهر عبده الراجی جعفر الحسینی .

### میرزا تقی خان به جای مشیرالدوله

وقتی که نامه میرزا جعفرخان مشیرالدوله خدمت حاجی میرزا آقاسی رسید مشارالیه میرزا تقی خان را به جای مشیرالدوله برگزید برخی از ارباب سیر را عقیدت بر این است که در آن ایام میرزا تقی خان در تبریز سمت وزیر نظامی داشت و لشکریان از جان و دل مطیع وی بودند و این ترقی فوق العاده وی موجب نگرانی حاجی گردید و خواست که او را مدتی از ایران دور کند لذا او را به جای میرزا جعفرخان برای حضور در کنفرانس ارزنة الروم انتخاب کرده . مرحوم نادر میرزا هم در تاریخ تبریز شرحی در این باب نوشته است که بدون تحریف در اینجا آورده می شود :

« قائم مقام را دیدن این بود که به هر جا جاسوسی داشت به نزد سالاران بزرگ و مردان شناخته و این عمل وزرا را روا باشد چون خسرو میرزا به دایگی محمدخان امیر نظام

به پطرز بودغ همی رفتند این جوان را به نام دبیری به امیر سفارش کرد برفتنند . جوان با خدمت های پسندیده آن امیر را دل ببرد چون تبریز رسیدند جوان بسرای دستورنرفته و بهمان امیر پیوست و آنجا نام گرفت وامیر نظام کار لشکرها بدو فرمود چون که فدائی بود آن سالار راونیم وزیری لشکر را آنگاه که آن بزرگ به جهان دیگررفت به روزگار پادشاه ماضی محمد شاه جوان را برکشیدند ومخاطبه وزیر نظام دادند با منشور وزیر نظام چون محمدخان را شاگردی کرده بود زودتر مطاع شد همه لشکر آذربادگان جز او کس ندانستندی و فرمان او را ببردندی این شهامت وزیر ایران حاجی میرزا آقاسی را گران فرصت همی جست که وزیر نظام را مالش دهد و براندازد هیچ دست نیافت که مردی بی نیاز و سخت وجیه بود تا دولت عثمانی را با ایران کاوشی پدید آمد و نزدیک شد کار به رزم کشد انجام براین نهادند که فرستاده ئی بزرگ به ارزنة الروم برود آنجا که به کارها نزدیک است با رجال عثمانی دیدار و گفتار نمایند و سخن های کینه آور کوتاه کند حاجی را وقت به دست آمد این مرد را نامزد کرد که آنجا رود چون کاری نه خرد است آنجا ضایع شود و او را از قبول چاره ای نبود .

تاریخ تبریز ص ۵۰

### عقیده جهانگیر میرزا راجع به حاجی میرزا آقاسی

جهانگیر میرزا هم در تاریخ نو در صفحه ۲۸۸ راجع بر بی مهری حاجی میرزا آقاسی نسبت به میرزا تقی خان چنین می نگارد .

دو وزیر نظام در اوایل سال ۱۲۶۰ از دولت علیه ایران به دولت علیه روم رفته در مملکت ارزنة الروم به حکم امنای آن دولت با سر عسکر آن ولایت گفتگو آغاز نهاد . حاجی میرزا آقاسی که با وزیر نظام صفائی نداشت و وجود او را در ایران و در خدمت پادشاه جهان مخل آسایش خود میدانست اهتمام در گذشتن امور ایشان نمی نمود چنانکه اکثر نوشتجات ایشان را در میان نوشتجات حاجی میرزا آقاسی بعد از وفات شاه مرحوم و رفتن حاجی به کربلائی معلی همچنان سر به مهر نگشوده یافتند . به هر نحو بوده میرزا تقی خان وزیر نظام گویا در ماه اول سال ۱۲۶۰ از تبریز با دو دست تن سوار عازم ترکیه شد و در حین ورود به قزل دیزج اولین منزل خاک عثمانی هیئتی به استقبال آمدند و خواهش کردند که وزیر نظام و سوارانش را تا ورود ارزنة الروم مهمان کنند وزیر نظام پذیرفت و گفت فرقی مابین ما و شما نیست .

۱- پس از آنکه مدتی که میرزا تقی خان وارد ارزنة الروم شده بود نوری افندی نماینده دولت ترک در حمام سکنه کرد و بدرود زندگانی نمود و انور بیک که از رجال نامی عثمانیه بود بجای وی انتخاب شد .

### اسامی اعضای کنفرانس ارزنة الروم

۱- نماینده ایران میرزا محمد تقی خان وزیر نظام .

۲- نماینده ترکیه انور بیک .

۳- نمایندگان انگلیس سه تن بودند: ۱- کلنل ویلیامز . ۲- مازورفرانت . ۳- روبرت گرزن .

۴- نماینده روسیه یک تن بود به نام کلنل دنیس .

گرزن مزبور در تالیف خود راجع به میرزا تقی خان می نویسد :

«این شخص از تمام نمایندگان عثمانی - انگلیس و روسیه که در این وقت در ارزنة الروم بودند قابل ملاحظه تر و ممتاز تر بود و با هیچ يك از آنها قابل مقایسه نیست .»  
بالجمله پس از ورود وزیر نظام و انجام یافتن دید و بازدید ترتیب مجلس مکالمه را بدین نحو قرار دادند که روزی در منزل وزیر نظام و روزی در منزل انور بیک و دو روز دیگر در منزل سفیران انگلیس و سفیر روسیه میادرت به گفتگو کنند. تفصیل سؤال و جواب که در هجده مجلس به میان آمد در سفارتخانه دولت علیه مضمون است .

چون مدت مذاکرات بطول انجامید وزیر نظام برخی از همراهان را که با خود آورده بود بازگردانید و خودش با سه نفر در ارزنة الروم ماند .

انجمن ارزنة الروم در واقع بیش از سه سال امتداد یافت و علت اینکه مذاکرات به طور عادی جریان نمی یافت و دچار وقفه می شد یکی اهمیت موضوع بود و دیگری اشکال تراشی اسعد پاشا والی ارزنة الروم که نمی خواست مذاکرات با سرعت جریان یابد حتی برخی از عمورخین را عقیده بر این است که مقدمات شورش مردم ارزنة الروم و تاخت آوردن مردم به منزل تقی خان بصواب دید او بوده است و خلاصه آن در شماره بعد به چاپ خواهد رسید .  
فاتمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

